

ادبیات مدرن

در خاور نزدیک و خاورمیانه

۱۸۵۰ - ۱۹۷۰

مترجم: داورنده:

بین و ستل

مترجمان:

دکتر احمد تمیم داری

(استاد دانشگاه علامه طباطبائی)

عطیه سادات شجاعی

سرشناسه	: اوستل، رابین، ۱۹۴۴ - م. Ostle, Robin
عنوان و نام پدیدآور	: ادبیات مدرن در خاور نزدیک و خاورمیانه ۱۹۷۰-۱۸۵۰ / گردآورنده رابین اوستل؛ مترجمان احمد تمیم‌داری، عطیه‌سادات شجاعی؛ ویراستار معصومه اکبری.
مشخصات نشر	: تهران: نشر بایا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۴۰۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۲۴-۹-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: Modern literature in the Near and Middle East 1850-1970, 1991
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۳۶۹-۳۸۴.
یادداشت	: تمایه.
موضوع	: متون مذهبی خاورمیانه -- تاریخ و نقد
موضوع	: ادبیات عربی -- آفریقای شمالی -- تاریخ و نقد
موضوع	: ادبیات عبری -- تاریخ و نقد
موضوع	: ادبیات فارسی -- تاریخ و نقد
موضوع	: ادبیات ترکی -- تاریخ و نقد
شناسه افزوده	: تمیم‌داری، احمد، ۱۳۲۳ -
شناسه افزوده	: شجاعی، عطیه‌سادات، مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۳۳ / ۸۴۹ / خ / ۲۳ / ۸۴۹ PN
رده بندی دیویی	: ۸۹۳ / ۸۹۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۰۳۴۷



ادبیات مدرن در خاور نزدیک و خاورمیانه ۱۹۷۰-۱۸۵۰

نویسنده:	رابین اوستل
مترجمان:	احمد تمیم‌داری / عطیه‌سادات شجاعی
طرح جلد:	امیر اعلایی
ویراستار:	معصومه اکبری
نوبت چاپ:	اول / ۱۳۹۴
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
چاپ:	ارس
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۲۴-۹-۴
تلفکس انتشارات:	۸۳۱۶۳۹۱
آدرس انتشارات:	تهران - خیابان کریم خان زند - خیابان سنایی - خیابان چهارم غربی - شماره ۱۸ - واحد ۷
پست الکترونیکی:	baya.nashr@hotmail.com
بها:	۲۰۰۰ تومان

«کلیه حقوق چاپ برای انتشارات محفوظ است»

فهرست مطالب

۱۳	قسمت اول: دوران ترجمه و اقتباس، ۱۸۵۰-۱۹۱۴
۱۹	سطوح سواد
۲۲	رسانه
۲۹	پیش‌بانه
۳۳	محرك (۱۹۵۰)
۴۰	ترجمه در دوره‌ی تعلیمات
۵۶	ظهور نمایش‌نامه
۶۵	دوره‌ی گنجینه‌ی دانش
۶۷	نتیجه‌گیری
۱۴۱	قسمت دوم: از ناسیونالیسم رمانتیک تا نقد اجتماعی، ۱۹۱۴-۱۹۵۰
۲۲۰	نقطه‌ی اوج ملی‌گرایی رمانتیک (۱۹۱۴-۱۹۱۰)
۲۳۷	دهه‌های انتقاد اجتماعی: (۱۹۴۱-۱۹۵۰)
۲۴۷	شعر در دهه‌ی ۱۹۴۰
۲۴۹	نتیجه‌گیری
۲۵۹	قسمت سوم: دوران ایدئولوژی و قطبی‌سازی، از ۱۹۵۰
۳۱۷	ایدئولوژی و نوگرایی در ادبیات مغرب
۳۲۳	اولین نشانه‌های نوگرایی
۳۲۳	ایدئولوژی نوگرایی
۳۲۴	قطبیت نوگرایی از طریق ایدئولوژی
۳۲۶	مسئله‌ی انواع ادبی در قلمرو ایدئولوژی

۳۳۵	ادبیات مدرن مراکش
۳۴۱	ادبیات مدرن الجزایر
۳۴۳	گذشته
۳۴۴	حال در مقابل گذشته
۳۴۵	انقلاب کشاورزی
۳۴۷	مقدمه
۳۵۲	لسطین
۳۵۵	سرزمین اشغالی
۳۶۱	از دهه ۱۹۰۰ به بعد
۳۶۴	فضان حاکم
Error! Bookmark not defined.	فهرست اعلام

مقدمه مترجم

آشنایی با ادبیات معاصر ایران و دیگر سرزمین‌های خاورمیانه و خاور نزدیک جستاری ضروری و دقیق را اقتضا می‌کند، این که ادبیات معاصر و دوران معاصر به چه بخشی از زمان اطلاق می‌گردد شایسته تأمل است. به نظر نگارنده دوران معاصر باید از عوامل علمی و فرهنگی معاصر برخوردار باشد. از زمانی که تحول، انقلاب و یا نهضت فرهنگی در جامعه‌ای به وجود می‌آید و به زمان اکنون می‌رسد، دوره معاصر است. به سر بردن جامعه در آثار و نتایج تحولی سیاسی و فرهنگی تا تحول مهدی دیگر دوره معاصر به شمار می‌آید. پاره‌ای از جوامع عقب‌مانده و بدوی هر روز و هر سالش معاصر است. به دلیل این که هیچ تحولی ندارند تا دوره‌ای را از دوره دیگر متمایز نماید. گوییم یکی از ملازمان سلطان به سلطان گفت: در ماه محرم دیوانه شوم من، سلطان گفت: در ماه صفر هم، ده ماه دگر هم!

ناصر خسرو با این نکته تحریک فکری بسیار داشته است شاید از باب عبرت یا تواضع سروده است:

گذشت مرا شصت بهار از عمر

بر من نیست اگر شش صد بار آید

ادبیات معاصر ایران را گاهی از دوره قاجار و جنگ‌های ایران و روس به‌شمار می‌آورند و پاره‌ای فرهنگ و ادب معاصر را از زمان انقلاب مشروطه در نظر دارند و بعضی هم از دوران انقلاب اسلامی. البته باید در نظر داشت، باشیم که در هیچ جامعه‌ای هیچ دوره‌ای از دوره‌های گذشته به‌طور کامل قطع نمی‌شود، انقطاع کامل فرهنگی چندان معنا ندارد، به‌هر حال هرچه‌قدر هم که جامعه دچار درد صددرصد از گذشته خود قطع نمی‌شود. این پنداشت که ادبیات معاصر ایران و معاصر دیگر از سرزمین‌های آفریقایی و آسیایی زیر نفوذ ادبیات غرب متحول شده است چندان صحیح به‌نظر نمی‌آید، جنگ‌های صلیبی، رنسانس اروپا و رنسانس‌های مهم ایران و هند و دیگر سرزمین‌ها، توسعه استعمار غرب در شرق و نهضت‌های جغرافیاشناسی و توریستی و در پی آن آشنایی ادیبان و هنرمندان و متفکران غربی با میراث فرهنگی و علمی سرزمین‌های شرقی تحولات عظیمی را در سرزمین‌های غربی موجب گردید، تأثیرات فرهنگی میان شرق و غرب، دو سویه یا متقابل بوده است. اندیشه باطلی است که تنها یک طرف را در نظر آوریم. ترجمه، اقتباس، انتقال از ادبیات

عربی، هندی و ایرانی از سوی صدها ادیب و شاعر و هنرمند غربی در گذشته به‌ویژه از قرن هجدهم میلادی به بعد نشان دهنده تأثیر متقابل فرهنگ‌ها، علوم و ادب و هنر است. هرگز نباید ادبیات شرقی در مواجهه با ادب غرب تحقیر شود و همچنین ادیبان و هنرمندان سرزمین‌های شرقی هم نباید ادبیات سرزمین‌های دیگر را تحقیر نمایند. آنچه مهم است تبادلات و تأثیرات متقابل است. کتاب ادبیات مدرن در خاور نزدیک و خاورمیانه، مجموعه مقاله‌هایی است از نویسندگان گوناگون دربارهٔ ایران، مصر، ترکیه و فلسطین همچنین سرزمین‌های عربی که هر یک تحولات ادبی سرزمین‌های مذکور را در بوته تحقیق قرار داده، دربارهٔ آثار و نویسندگان اظهار نظر کرده‌اند. آشنایی با ادب معاصر ایران و همخوانی‌ها و همگامی‌های ادبیات سرزمین‌های خاور نزدیک و میانه، برای شناخت بهتر و بیشتر ادبیات ایران ضروری می‌نماید. به‌ویژه در عصر تباطات بی‌خبری از دیگر سرزمین‌ها نقصی بزرگ به‌شمار می‌آید. هیچ فرهنگی در انزوا نیست. علاوه بر این باید در نظر آوریم که بهره‌گیری‌های ادبیات غرب از ادبیات شرقی، اثر بیشتر از تأثیر آن در ادب شرق نباشد، کمتر هم نیست. چون قضیه کیفی و محتوایی است نه کمّی یا درصد مشکل می‌نماید. اما صدها و هزاران مأخذ و منبع وجود دارد که نشان می‌دهد تأثیرپذیری ادب غرب از شرق بیش از آن است که ما در نظر آوریم. آشنایی به ربن‌های شرق و غربی تا حدود فراوانی این تأثیرپذیری را نشان می‌دهد. دو کتاب گسترده شعری پرسی در انگلستان و آمریکا اثر جان. دی. یوحنان، ترجمه و تحقیق نگارنده، و از سعدی تا آراگون اثر مهم دکتر جواد حدیدی و کتاب‌ها و مقالات دیگر نشان دهنده تأثیر ادب غربی در غرب است. به‌هرحال جهت تفهیم و تفاهم و همکاری‌های علمی و بین‌المللی تحولات ادبی و ترجمه در آثار ادبی سرزمین‌های خاور نزدیک و خاورمیانه و خاور دور و باختر، برای ضروری و بایسته به‌نظر می‌رسد تا سهم هر سرزمینی در فرهنگ جهانی مشخص شود. مهم است جهان فرهنگ و ادب است، نه فرهنگ و ادب جهانی! در عین پیوندهای مشترک فرهنگی هر سرزمینی از جمله ایران باید استقلال ادبی و فرهنگی خود را محفوظ بدارد. نقدها و نظرات عالمانه را فراوان ارج می‌نهیم و نقدهای مغرضانه را هم پیشیزی به‌شمار نمی‌آوریم، آنچنان که در بعضی از آثار بی‌سابقه نیست.

احمد تمیم‌داری

استاد دانشگاه علامه طباطبائی

پاییز ۱۳۹۴ شمسی

دیباچه

این کتاب ارائه‌دهنده‌ی کوششی است که برای پژوهشی تطبیقی و دقیق، مربوط به مفاهیم اصلی ادبیات مدرن در خاور نزدیک و خاورمیانه از سال ۱۸۵۰ در چند زبان از جمله زبان عربی، عبری، فارسی و ترکی انجام شده است. با وجود این، میان تحولات تاریخی و فرهنگی مناطق مختلف زبانی در خاور نزدیک و خاورمیانه زمینه‌های مشترک بسیاری وجود دارد، اما بررسی و تحقیق در نواحی زبانی خاص محدود مانده است و از آن‌چه در سراسر این حوزه‌های زبانی واقع می‌شود، آگاهی نسبی اندکی در دست است. این کتاب در میان دانش‌جویان را از فعالیت‌هایی که همکاران و همتایانشان در زبان‌های دیگر انجام می‌دهند آگاه می‌کند؛ البته با حفظ دیدگاه و ویژگی‌هایی که به تبارش خلاق هر منطقه تعلق دارد.

در تحمیل تقسیمات تاریخی در سیر تکامل ادبی، همیشه روند خودسرانه‌ی پیچیده و مبهمی رخ داده است. دارد و این موضوع هنگامی که یک طرح تاریخی تنها برای چهار ادبیات، و نه بیش‌تر، پی افکنده می‌شود، بیش‌تر رخ می‌نماید. به هر حال، چنین به نظر می‌رسد که سه قسمت پیش‌نهاد داده‌شده در هر چهار قسم ادبیات، برای توجیه روم کرد موضوعی مقاله‌های پیش‌رو، به اندازه‌ی کافی در تجربه‌های تاریخی عناصر مشترک دارند: عصر ترجمه و اقتباس ۱۸۵۰-۱۹۱۴؛ دهه‌های دل‌بستگی شدید به ملی‌گرایی رمانتیک که ویژگی دوره‌ی میان دو جنگ جهانی است؛ تنوع و تضاد در ایدئولوژی که از سال ۱۹۵۰، خاور نزدیک و خاورمیانه را از این نظر شاخص می‌کند. این زمینه‌ها در گذار از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر، به‌ناچار با برخی ادبیات‌ها، به‌نسبت دیگر همتایانشان، تناسب بیش‌تری دارند و نویسندگان به هنگام لزوم، برای نشان دادن این امر کوتاهی نمی‌کنند.

یک فرضیه‌ی متداول، که به این کتاب جنبه‌ی عمومی می‌بخشد، این است که تمام چهار نوع ادبیاتی که در این مجموعه بررسی شده‌اند، عمیقاً از جریان‌های وسیع سیاسی و تغییرات اجتماعی تأثیر گرفته‌اند. تقریباً تمام بخش‌ها در این کتاب به حمایت از همین فرضیه گرایش دارد و هر فصل از این کتاب با مقدمه‌ای تاریخی و سیاسی آغاز می‌شود که

زمینه را برای ورود به بخش‌های ادبی مهیا می‌سازد.

تمام بخش‌های سه‌گانه‌ی کتاب از الگویی یک‌سان پیروی می‌کند؛ البته با یک استثنا: به نظر می‌رسید فراوانی مواد زبان عربی، ایجاب کند که از سال ۱۹۵۰، دو بخش به مشرق و مغرب اختصاص داده شود، اما متأسفانه امکان قرار دادن یک بخش در ادبیات مدرن ایران از سال ۱۹۵۰ وجود نداشت. با اندکی اغماض، توان گفت بخش مربوط به ایران، که در قسمت دوم به نتیجه می‌رسد، یکی از جامع‌ترین بخش‌ها در این کتاب است که به منابعی اشاره می‌کند که تا بعد از سال ۱۹۵۰ ادامه و توسعه یافته است. به‌طور کلی، بخش‌های متنوع این کتاب، شواهد درخور توجهی ارائه می‌دهد. از سال ۱۸۵۰ خاور نزدیک و خاورمیانه به‌مثابه‌ی یک منطقه‌ی فرهنگی-سیاسی یک‌پارچه باقی مانده است؛ برخلاف تفاوت‌های سیاسی و زبانی که در کشورهای این منطقه دیده می‌شود.

سپاس‌گزاران این مجموعه، نخست به دانشکده‌ی مطالعات آسیایی و آفریقایی (SOAS) تعقیب می‌گیرد که با حمایت‌های مالی در به ثمر رسیدن این کتاب نقش به‌سزایی داشت. تمام مؤلفان هریک از بخش‌ها، متخصصان بین‌المللی و در زمینه‌ی کاری خودشان خبره هستند که بسیار سخاوتمندانه وقت و تبحرشان را در اختیار قرار دادند. قدردانی ویژه برای کارکنان انتشارات مرکز مطالعات خاور نزدیک و خاورمیانه در SOAS است که با خرسندی تمام مشکلات پژوهشی دشوار را به جان خریدند. مایلم به‌ویژه به ویراستاران SOAS، تونی آلن، دینا گری، آوریل هی‌وود^۳ و دینا مانیستی^۴، اشاره کنم که با گردآوری این مجموعه، که بیش از اندازه کند و کاهل بود، بی‌نهایت شکیبا بودند.

رابرت اوستل

1. Tony Allan
2. Diana Gur
3. April Heywood
4. Dinah Manisty